

نگاه

نمایشگاه کتاب و بحران نشر

شرق: در سال‌های اخیر، مسائل اقتصادی و سیاسی نمایشگاه کتاب را هم متاثر کرده، باین حال نمایشگاه همچنان فرصتی در اختیار ناشران شرکت‌کننده قرار می‌دهد تا کتاب‌هایشان را به شکل مستقیم به مخاطبانی گسترده‌تر ارائه کنند. اگرچه نواقص مربوط به شیوه اجرای نمایشگاه کتاب تهران به مسئله‌ای تکرار شونده بدل شده، اما سی‌وششمین دوره نمایشگاه کتاب تهران به شکلی آغاز شد که برخی از نواقص پرتکرار، پرتنگ‌تر از پیش به چشم می‌آمدند. امسال نیز مصضای تهران میزبان نمایشگاه کتاب است. سال‌هاست نمایشگاه کتاب تهران از مجموعه نمایشگاه بین‌المللی تهران به مصلی نقل مکان کرده است. البته در این بین شهر آفتاب هم به‌عنوان مکان برگزارری نمایشگاه کتاب مطرح شد، اما مسائل متعدد شهر آفتاب موجب شد نمایشگاه کتاب دوباره به مصلی بازگردد. در اینجا هم مسائلی که کم‌وبیش هر سال در نحوه برگزاری نمایشگاه وجود داشته، تکرار می‌شود و می‌توان گفت نواقص اجرایی به بخشی از ویژگی‌های نمایشگاه کتاب تهران تبدیل شده است. سی‌وششمین دوره نمایشگاه کتاب تهران با مسئله‌ای آغاز شد که امروز بدل به بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره ما شده است؛ قطع مکرر برق. قطع چندباره برق شبستان در روز ابتدایی نمایشگاه، هم ناشران و هم مخاطبان را سردرگم کرد و دلپیش هرچه بود، نشانه‌ای واضح از آماده‌نبودن شرایط برگزاری نمایشگاه کتاب بود. اما این همه مسئله نبود؛ چراکه در ساعات ابتدایی نمایشگاه، دستگاه‌های کارتخوان ناشران هم وصل نبود و این مسئله حتی از قطع برق نیز آزادهنده‌تر بود. علاوه بر اینها، برخی غرفه‌های خالی و خاموش بودن تابلوهای راهنما هم به چشم بازدیدکنندگان می‌آمدند. همه این مسائل باعث عذرخواهی مسئولان برگزاری نمایشگاه کتاب شد و هجدهم اردیبهشت سخنگوی نمایشگاه در نخستین نشست خبری خود گفت: «از بازدیدکنندگان، ناشران و عزیزان از اینکه نتوانستیم خدمات مطلوب را ارائه کنیم، معذرت‌خواهی می‌کنیم، سعی می‌کنیم امروز هر آنچه را در توان ماست به حد نسبی درست کنیم تا کمتر مشکل داشته باشیم». او البته به این نکته هم تأکید کرد که «بخش اجرایی نمایشگاه به شکل و انجمن واگذار شده و نظارت و حمایت و هدایت حوزه‌های تخصصی در اختیار ماست و تلاش می‌کنیم به مسائل اجرایی وارد نشویم». سخنگوی نمایشگاه در اولین نشست خبری‌اش درباره مسائل دیگری همچون غرفه‌های خالی، دستگاه‌های کارتخوان، ناشران کتاب‌ساز و تابلوهای راهنما توضیح داد و باید دید در روزهای آینده چقدر مسائل اجرایی نمایشگاه حل می‌شوند. در روزهای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، کمتر کسی برای خرید کتاب سراغ کتاب‌فروشی‌های سطح شهر می‌رود. این مسئله اگرچه در گذشته هم وجود داشته، اما در سال‌های اخیر وضعیت اقتصادی کتاب‌فروشی‌های کوچک وخیم شده و در روزهای برگزاری نمایشگاه وضعیت برای آنها دشوارتر هم می‌شود. بر این اساس، در سال‌های اخیر برخی ناشران به دلیل حمایت از کتاب‌فروشی‌ها در نمایشگاه کتاب شرکت نمی‌کنند. امسال هم ناشرانی همچون مرکز، قطره و نی ازجمله غایبان بزرگ نمایشگاه کتاب هستند. نکته دیگر اینکه امسال برخلاف دوره قبلی کتاب‌فروشان در نمایشگاه حضور ندارند. اما طبق اعلام سخنگوی نمایشگاه، امسال از روز ۲۸ اردیبهشت به مدت پنج روز، امکان فروش به‌صورت جداگانه فقط برای کتاب‌فروشان مهیا خواهد شد. در روز افتتاحیه نمایشگاه کتاب بخشی از صحبت‌های رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران مربوط به بحران نشر در ایران بود. او گفت: «رقبای قدری به میدان آمده‌اند و آنچنان فکر و ذکر مردم را مشغول کرده‌اند که نقش کتاب در جامعه ما کم‌رنگ‌تر از گذشته شده است. این رقبای قدر را در کنار مشکلات اقتصادی سال‌های اخیر و چندشکله‌شدن بسیاری از مردم که کمتر وقتی برای مطالعه برای کتاب می‌گذارند، بگذارید. او همچنین به مسئله افت تیراژ کتاب هم اشاره کرد. تیراژ کتاب در یک دهه اخیر افتی درخرو توجه داشته و دلایل متعددی می‌توان برای این مسئله برشمرد که یکی از آنها وضعیت اقتصادی کشور است. افزون بر مسئله اقتصادی، رد موضوعات دیگر هم در افت تیراژ کتاب‌ها وجود دارد که پرداختن به آنها نیازمند یک بررسی جداگانه است.

یادداشت

مرجعیت ملی کنوانسیون تنوع زیستی دست چه کسی است؟

پروژش حداقل ۱۳ مورد ماهی غیریومی مهاجم گرم‌ابی و سردآبی (کبوتر هندی، فیتوفاک آمور، بید هگ و قزل‌آلای رنگین‌کمان) توسط سازمان شیلات ایران در مراکز تکثیر و پرورش و سپس آزادسازی آنها در آب‌های آزاد داخلی، مغایر با قانون حفاظت از تالاب‌ها در ممنوعیت ورود گونه‌های غیریومی بوده است. از آثریان مهاجم دیگری می‌توان به یک دهه پرورش ماهی تیلاپیا و هجوم آن به آب‌های آزاد کشور نیز اشاره کرد. همچنین توسعه گونه مهاجم کبوتر آمریکایی توسط وزارت جهاد کشاورزی با عنوان مبارزه با بیابان‌زایی و تثبیت شن‌های روان در جنوب کشور، در حال حاضر موجب تخلیه آب‌های زیرزمینی و خشکیدگی گیاهان بومی کهور ایرانی، کنار و آکاسیا در اطراف آنها شده است.

- برداشت درختان تنومند و خشکهدارها بدون توجه به ارزش اکولوژیک بالای آنها برای حضور تنوع حشرات، قاب‌بالان و پرندگان لانه‌ساز و تکمیل چرخه حیات به‌دلیل حضور تنوع بالای از قارچ‌های سایروفتی (بیش از ۷۰۰ گونه) در دستور کار سازمان منابع طبیعی است.
- ب- تخریب زیستگاه:**
- تغییر کاربری جنگل و مرتع به اراضی زراعی و باغی که مدیریت وزارت جهاد کشاورزی متأسفانه ناظر بر آن است؛ از مساحت جنگل هیرکانی از حدود سه‌ونیم میلیون هکتار در هفت دهه قبل، در حال حاضر به‌صورت خوش‌بینانه فقط یک میلیون و ۶۵۰ هزار هکتار باقی مانده و عرصه‌های تغییر کاربری شده هم بعد از بهره‌برداری، واگذار شده‌اند.
- واگذاری اراضی ملی زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی در قالب طرح‌های ملی مانند طرح توسعه جنگل و باغ (طوبی) و تغییر کاربری پنج میلیون هکتار اراضی ملی جنگلی یا مراتع شیب‌دار به باغات زیتون و یا محصولات دیگر به‌شرط تملیک، که اغلب با تغییر کشت از نوع دیم به آبی (که موجب فرسایش خاک در اراضی شیب‌دار شده)، تبدیل به ویلاها و عدم رعایت حریم رودخانه و مجاری سیلابی همراه شد.
- شخم، خاک‌ورزی و فرایندهای آماده‌سازی خاک برای زراعت و باغداری موجب فرسایش خاک می‌شود.

ج- بهره‌برداری بی‌رویه؛

وزارت جهاد کشاورزی عمدتا بر بهره‌برداری اقتصادی از تنوع زیستی متمرکز است. به‌عنوان مثال سازمان شیلات کشور، در موضوع نابودی گونه‌های جانوری مانند بتنوز یا گفنزبان که ظاهراً جنبه اقتصادی ندارد، در انواع مختلف صید دخالت نمی‌کند. در یک کلام، ضروری است مرجعیت ملی کنوانسیون تنوع زیستی به سازمان حفاظت محیط زیست که رویکرد اصلی آن حفظ تنوع زیستی و همسو با اهداف و مأموریت‌های این کنوانسیون است، محول شود. بدیهی است ساختار کنوانسیون و کانون‌های ملی تخصصی، باید مشارکتی و با حضور وزارت جهاد و سایر دست‌اندرکاران مانند وزارت علوم، وزارت بهداشت و زیرمجموعه‌های آن و حتی انجمن‌های علمی باشد و در صورت انتقال مرجعیت ملی به سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان متعهد به ایجاد این ساختار بین‌بخشی منسجم، کارآمد و پایدار خواهد بود.

کروه فرهنگ: نخستین هم‌نشینی فرهنگی انتشارات فرهنگ معاصر با عنوان هم‌نشینی با نصرالله پورجوادی، روز هجدهم اردیبهشت‌ماه در مجموعه فرهنگان فرشته برگزار شد. این نشست به نقد و بررسی مجموعه «تاریخ اندیشه، عرفان و ادبیات عرفانی» که توسط فرهنگ معاصر منتشر شده‌اند اختصاص داشت. در این نشست نصرالله پورجوادی، علی‌اصغر دادبه، اکبر راشدی‌نیا، سعید کریمی و محمد سوری حضور داشتند و مدیر انتشارات فرهنگ معاصر نیز، توضیحاتی درباره چگونگی شکل‌گیری این مجموعه‌آثار ارائه داد. داود موسایی در بخشی از صحبت‌هایش اشاره کرد که در یکی از صحبت‌هایشان با دکتر پورجوادی این پرسش مطرح شده که آیا در مورد عرفان و عرفان ایرانی منابع منسجمی وجود دارد یا نه و از همین جا ایده شکل‌گیری این مجموعه آثار شکل می‌گیرد و قرار می‌شود مسئولیت کار با پورجوادی باشد. در آن زمان کتاب «عهد السنت» او آماده بوده و پس از آن پورجوادی چهره‌های دیگری را به این مجموعه اضافه می‌کند و به مرور کتاب‌های دیگر مجموعه آماده و منتشر می‌شوند. تاریخ اندیشه، مجموعه هفت جلد کتاب به نام‌های «عهد السنت»، «آسمان جان: شرح و تحلیل دو داستان مثنوی»، «بابا طاهر: شرح احوال و نگاهی به آثار ابومحمد طاهر حصاص همدانی»، «مجالس عارفان، بیست‌ودو مجلس نوبت‌افز از ابوسعید ابوالخیر، خواجه یوسف همدانی و عارفی ناشناخته»، «تاریخ کهن قلندریه»، «پروانه و آتش: از حلاج تا حافظ، سیر تحولات یک تمثیل عرفانی در ادبیات ایران» و «آینه جانان: شرح احوال و آثار و اندیشه‌های شمس‌الدین دیلمی» است که با سرپرستی نصرالله پورجوادی و با همکاری برخی از اندیشمندان این حوزه مانند محمد سوری، سعید کریمی و مرضیه سلیمانی توسط انتشارات فرهنگ معاصر منتشر شده است. در ادامه گزیده‌ای از سخنرانی‌های این مراسم آمده است.

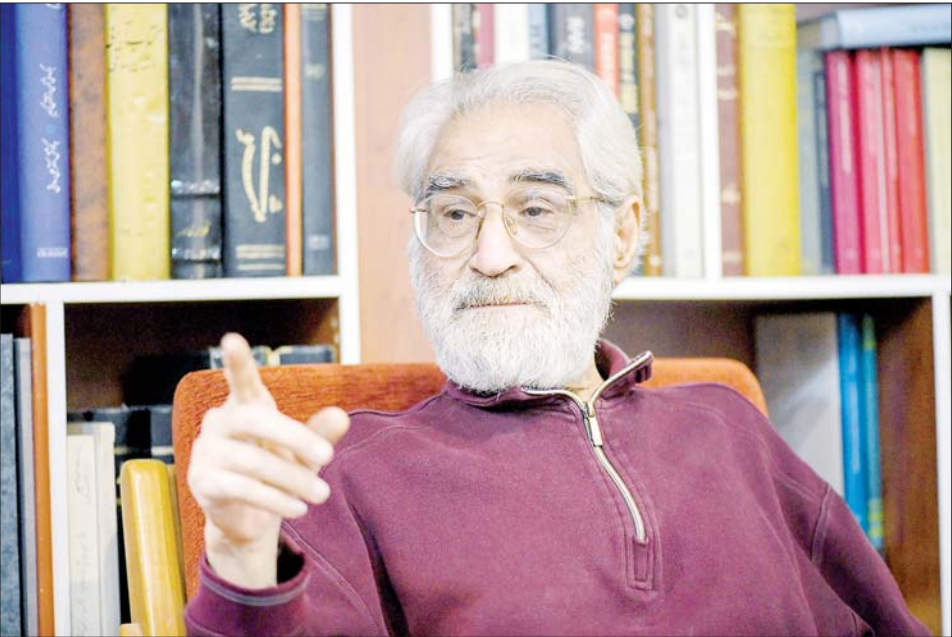
نصرالله پورجوادی؛ اهمیت تاریخ اندیشه

پژوهشگران ما اندیشه را باید به‌عنوان امری تاریخی در نظر بگیرند. ایده‌ها در جوامع مختلف متفاوت بوده‌اند و در طول تاریخ متحول شده‌اند. یعنی حالتی نسبی داشتند. مفاهیم نسبت به زمان و نسبت به جامعه و نسبت به دینی که آن را تعریف می‌کرده متفاوت از هم بودند. حالا تکلیف انسان چیست؟ ممکن است بپرسیم حالا اگر همه‌چیز با تحول و تغییر روبه‌رو بوده من چه چیزی را باید بپذیرم و حقیقت چیست؟ فایده این نوع نگاه این است که می‌فهمیم تمام ایده‌هایی که هویت فکری و ذهنی و عقلی ما را تشکیل می‌داده ایده‌های ثابت و لایتغیر نبوده‌اند. در این سال‌ها به‌خصوص در بین جوان‌ترها مد شده که می‌گویند ما آنتنیست هستیم، در حالی که باید دید ایده آنتنیسم چیست و از کجا به وجود آمده است. اگر تاریخ اندیشه را در نظر بگیریم متوجه می‌شویم که در گذشته مسئله اثبات یا انکار خدا مطرح نبوده بلکه در جوامع دینی و به‌خصوص از دیدگاه عرفانی، مسئله بر سر شناخت خدا بوده است. درواقع مسئله این است که خدا را بشناسیم و ببینیم که صفاتش چیست؛ یعنی به عبارتی مسئله معرفت و شناخت مطرح است. این شناخت هم البته اوصافی دارد که باز در طول تاریخ دچار تغییر شده است. می‌خواهم بگویم مسئله آنتنیسم درواقع یک جور ماقیل تاریخ اندیشه است؛ یعنی تا حدودی با درنظرگرفتن تاریخ اندیشه منقضی شده است. اثبات یا انکار یا دلایل وجود خدا یا دلایل عدم وجود، اینها چیزهایی است که در یک دوره‌ای برای عده‌ای مطرح می‌شده و مثلاً اینکه ببینیم این‌سینا چه دلایلی برای اثبات وجود خدا داشته، امری تاریخی است. من خدا را مثال زدم تا درواقع بر روی بالاترین موضوع دست گذاشته باشم، وگرنه تمام اندیشه‌ها و هر آنچه که ما به آنها اعتقاد داریم در معرض شناخت تاریخی قرار دارد. ما سعی کردیم کارهایی را پیش ببریم که در این راستا کمک‌کننده باشند. هرکدام از کتاب‌هایی که در این مجموعه منتشر شده‌اند این هدف را دنبال کرده‌اند. برای نمونه می‌خواهم به شکل مختصر درباره یکی از این کتاب‌ها و اهمیتش صحبت کنم: کتاب «مجالس عارفان» که آقای دکتر اکبر راشدی‌نیا آن را تصحیح کرده‌اند؛ کتاب شامل مجالس خواجه یوسف همدانی و ابوسعید ابوالخیر است. اگر بخواهم ده کتاب مورد علاقه‌ام را نام ببرم مسلماً یکی از آنها این مجالس ابوسعید ابوالخیر است.

چرا؟ برای اینکه در این کتاب لب‌الباب عرفان و فلسفه ایرانی بیان شده است. ما ابوسعید ابوالخیر را به‌عنوان یک صوفی یا عارف می‌شناسیم. عارف کیست؟ این کتاب عارف را به ما معرفی می‌کند و می‌گوید که اصلاً عرفان چیست. اگر می‌خواهید بدانید که عرفان چه تعریفی دارد توصیه می‌کنم که این کتاب را بخوانید. عرفان عبارت است از خویش‌شناسی یا خودشناسی. اساس این صحبت ابوسعید ابوالخیر این است که انسان، دو خود یا خویش‌تن دارد. یک خودی زمینی که در عالم محسوس است و به جز این، خویش‌تن دیگری هم دارد که جنبه مینوی دارد. هریک از ما یک هویت یا خویش‌تنی داریم که این در معرض زمان قرار نمی‌گیرد و فارغ از زمان و مکان است و جنبه مینوی و الهی دارد و وظیفه هریک از ما این است که این خویش‌تن خود را بشناسیم و این خویش‌تنی است که پیر نمی‌شود. هریک از شما امروز سنی دارید اما همان کسی هستید که در بیست سالگی یا سی سالگی بودید و همان کسی هستید که بعد از صدویست سال خواهید مرد. این خویش‌تن شما چیست؟ ابوسعید ابوالخیر در مجالس خودش توصیه می‌کند که در پی شناخت خود باشید تا بفهمید که هستید. او داستانی نقل می‌کند که عرابضمر را با آن ختم می‌کنم. می‌دانیم که پادشاهان ساسانی فلاسفه را مکمل خودشان می‌دانستند و به همین دلیل از آنها پذیرایی می‌کردند و آنها را نزدیک به خود قرار می‌دادند و با آنها مشورت می‌کردند. انوشیروان عادل یکی از کسانی بوده که گفته شده همیشه صد نفر از حکما و علما و فلاسفه کنارش حضور داشتند. در این کتاب دراین‌باره آمده: «قومی باشند که بر خویش‌تن باشند» یعنی ضد خودشان باشند چون ابوسعید می‌گوید شما برای اینکه آن خویش‌تن حقیقی را بشناسی باید بر خودی زمینی خط بکشی و این باید کنار برود. خودی زمینی حجاب است و باعث می‌شود که ما نتوانیم خویش‌تن حقیقی را بشناسیم. ابوسعید می‌گوید «قومی باشند که بر خویش‌تن باشند، ولیکن خویش‌تن‌شان باشند». حالا چطور می‌شود که هم بر خویش‌تن بود و هم خویش‌تن‌شناس؟ او درواقع خویش‌تن را در دو معنا به کار می‌برد و این همان چیزی است که حافظ می‌گوید «تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز». ابوسعید سپس داستان را نقل می‌کند و می‌گوید: «چنین آوردند که نوشروان عادل هر روز بامداد بفرمودی تا منادی کردند که: خویش‌تن‌شناسان را از ما درود هدیت». پس معلوم می‌شود خویش‌تن‌شناسان اطراف او نبودند و درواقع آن فلاسفه‌ای که پیرامونش بودند خویش‌تن‌شناس نبودند. خویش‌تن‌شناسان کسانی بودند که اهمیتی به پادشاهان نمی‌دادند و این فلاسفه بودند که نزد پادشاه می‌آمدند. خویش‌تن‌شناسان جای دیگری بودند. این خویش‌تن‌شناسی رکن اصلی حکمت و فلسفه و دیانت ایرانی است که با اندیشه‌های می‌پسکان است چون هندی‌ها هم می‌گویند ما باید آتمن را بشناسیم و آتمن یعنی خویش‌تن. در این اندیشه وقتی شما آتمن را شناختی می‌بینی که آتمن همان برهمن است.

علی اصغر دادبه: فکر فلسفی و نگاه تاریخی

آقای دکتر پورجوادی به تاریخ اندیشه اشاره کردند و من در ادامه صحبت‌های ایشان به دو نکته اشاره می‌کنم. یکی اینکه تاریخ نشان می‌دهد یک مفهوم یا اصطلاح به یک شکل آغاز شده و سپس به شکل دیگری درآمده است. مثلاً یکی از مباحث کلامی که بعدها عرفانی هم شد، بحث رؤیت است. وقتی اشعری به منبر رفت که از اعتزال توبه کند، به‌صراحت یکی از مسائلی که به‌عنوان توبه خودش مطرح کرد، این بود که تا دیروز معتقد بودم رؤیت ممکن نیست و از امروز معتقدم که هست. البته خود او هم به شکل صریح درباره رؤیت حرف نمی‌زند؛ مثلاً به صراحتی که نظامی در قرن ششم با لاجأت می‌گوید که دید «پیمبر نه به چشمی دگر؛ بلکه بدین چشم سر این چشم سر». این موضوع بعدتر به مسئله‌ای سیاسی بدل و شد حتی به تفتیش عقایدی که معتزله می‌کردند راه پیدا کرد. هفتاد، هشتاد سال بعد از این ماجرا که مسئله سیاسی فروکش کرد، گفتند با این چشم که نمی‌توان خدا را رؤیت کرد و مؤمنان با حسن ششم در روز قیامت رؤیت می‌کنند. کمی بعدتر و نزدیک به عصر غزالی، نظریه بلاکیف مطرح شد که می‌گفت در روز رستاخیز، مؤمنان خدا را می‌بینند اما معلوم نیست چگونه و با



عکس: عباس خاوری شرق

گزارشی از مراسم هم‌نشینی با نصرالله پورجوادی

اندیشه به‌عنوان امر تاریخی

چه وسیله‌ای، پس تا اینجا با سه ایده روبه‌رویم: چشم سر، حس و ششم و نظریه بلاکیف. وقتی به غزالی و به‌خصوص فخر رازی می‌رسیم، این موضوع کاملاً به امری عرفانی تبدیل می‌شود و می‌گویند مسئله رؤیت نوعی شهود و دیدار با چشم باطن است. حافظ می‌گوید «روزی رُخ‌ش ببینم و تسلیم وی کنم» و این دیدن دیگر دیدن ابتدایی نیست. نکته دیگر که به آن اشاره می‌کنم این است که ما به زبان خودمان یک علم کلام داریم که امروز به آن ایدئولوژی می‌گویند و یک فلسفه هم داریم. کلام را می‌توانیم یک‌سویه‌نگری نام بگذاریم؛ چراکه می‌گوید همه باید آن‌گونه که من می‌بینم ببینند. از ایدئولوژی دموکراسی بیرون نمی‌آید اما نگاه فلسفی، نگاه همه‌سونگری است و وقتی در غرب و از عصر روشنگری، فکر فلسفی غلبه پیدا کرد، نگاه تاریخی به مسائل آغاز شد. گمانم این است که ما در بطن تاریخ خودمان این را داشته‌ایم. شاعران ما هر مسئله علمی و عادی را مضمون قرار می‌دادند و از شیمی و فیزیک و... هرچه جای می‌گرفتند در شعر استفاده می‌کردند و این موجب می‌شده که با خواندن اینها یک نوع جامعیت شکل بگیرد. ما این تکرش را داشته‌ایم و هیچ‌گاه حرکت فلسفی‌مان از بین نرفت. حتی بعد از تسلط جریان‌های مختلف، باز جریان عقلانی را داشتیم. در نتیجه به‌دلیل این میراث و آنچه که بعداً از غرب گرفتیم نگاه جدی‌تری پیدا کردیم. عرفان حکمت ملی ماست و امروز خیلی‌ها به عرفان می‌پردازند، اما چرا کارهای دکتر پورجوادی جور دیگری می‌شود؟ این به‌دلیل نگاه فلسفی و همه‌سونگری است که در کار ایشان وجود دارد. این نوع نگاه صرفاً نظری هم نیست و نتایج عملی هم دارد. آزادی فکر و دموکراسی و نظایر اینها از این نوع تفکر بیرون می‌آید. یعنی ابتدا مسئله نظری مطرح است و این مسئله نظری بازتاب عملی دارد.

اکبر راشدی‌نیا: متون دست اول و تاریخ اندیشه

تاریخ اندیشه یکی از شاخه‌های مطالعات فلسفی و فکری است که به بررسی تغییر و تحولات ایده‌ها و نظریات و جریان‌های فکری در طول تاریخ می‌پردازد. تاریخ اندیشه در غرب حدود یک سده است که معمول است و به‌عنوان یکی از حوزه‌های مطالعاتی مورد بحث قرار گرفته؛ اما در کشور ما این حوزه مطالعاتی به شکل نظام‌مند جدی گرفته نشده است. شاید همین دوره‌ای که به‌عنوان تاریخ اندیشه زیرنظر دکتر پورجوادی شکل گرفت و در فرهنگ معاصر منتشر شد یکی از معدود آثاری است که به‌صورت دوره‌ای در اینجا منتشر شده است. درباره تغییر و تحول مفاهیم در طول تاریخ صحبت شد اما این فقط محدود به مفاهیم نیست و شخصیت‌ها هم همین‌گونه هستند. ما در مورد زبانی نگاه ما به شخصیت‌های تاریخی‌مان همراه با جمود است. علاوه بر این، متون دست اول هم در تاریخ اندیشه جای می‌گیرند و یکی از اساسی‌ترین بخش‌های تاریخ اندیشه است. متون اولیه به ما امکان می‌دهند بدون واسطه و بدون تغییرات بعدی با موضوع روبه‌رو شویم. با خواندن متون اولیه می‌توان فهمید اندیشه‌ها در چه شرایط تاریخی و اجتماعی و فرهنگی و با چه هدفی شکل گرفتند.

سعید کریمی: کشف ناشناخته‌ها

کتابی که من در این مجموعه کار کردم؛ یعنی کتاب «آینه جانان» از کتاب‌های مهم در زمینه تصوف همدان است که اطلاعات خیلی کمی در این زمینه داریم. ما از تصوف همدان فقط آثار عین‌القضات را می‌شناسیم. چیزی که ما در این مجموعه می‌توانیم به تاریخ اندیشه اضافه کنیم تاریخ شهرها است. تاریخ شهرها جزو تاریخ اندیشه قرار می‌گیرد و همدان هم یکی از شهرهای ایران است که در تاریخ دینی ایران بسیار مهم بوده است. یکی از شخصیت‌هایی که بعد از مرگ عین‌القضات متولد می‌شود، شمس‌الدین دیلمی است که از صوفیان ناشناخته است و یکی از ویژگی‌های مهم این مجموعه تاریخ اندیشه؛ کشف ناشناخته‌ها است. در کتاب‌های این مجموعه موضوعاتی مطرح شده که برای اولین‌بار درباره‌شان صحبت شده است. همچنین به شخصیت‌هایی پرداخته شده که کمتر شناخته شده بودند؛ از باباطاهر به‌عنوان یک شخصیت تاریخی گرفته تا «روضالمیردین» این یزدانبار و شمس‌الدین دیلمی.

عطف

شاهکار سیاسی رومن گاری

شرق: در میان آثار رومن گاری، نویسنده برجسته قرن بیستم فرانسه، رمانی با عنوان «سرهای استغفانی» وجود دارد که از چند حیث اثری متمایز به‌شمار می‌رود. این رمان، تزییری است دشوار و درعین‌حال روایتی است آشکارا سیاسی.

ابوالفضل‌الله‌ادی این رمان رومن گاری را به فارسی ترجمه کرده و نشر نو اخیراً آن را منتشر کرده است. مترجم خاور نزدیک مربوط است. این کشور تحت نفوذ و سلطه آمریکا و انگلستان در این اسلحه قرار دارد. گاری در این اثر به موضوعاتی همچون سرنگونی قدرت، کودتا، دیسسه‌چینی مأموران سازمان سیا، استفاده از رسانه‌ها برای فریب افکار عمومی، قتل‌های سیاسی و قاچاق سلاح پرداخته است.

ابوالفضل‌الله‌ادی این رمان رومن

گاری را به فارسی ترجمه کرده و نشر

نو اخیراً آن را منتشر کرده است. مترجم

خاور نزدیک مربوط است. این نکته

در یادداشت ابتدایی اثر به این نکته

اشاره کرده که «سرهای استغفانی»

داستانی عجیب و غیرعادی است.

گاری این رمان را به انگلیسی آمریکایی

و با نام مستعار شاتان پوگات نوشت و

خودش آن را به فرانسوی ترجمه کرد،

اما با نام مستعار یک مترجم زن به نام

فرانسواز لئووات. گاری سپس تصمیم

گرفت در لندن و با نامی دیگر اثر را

منتشر کند. ولی آن را به نویسنده‌ای

فرانسوی به نام رنه دوئل نسبت دهد.

به این ترتیب نسخه فرانسوی را که در

اصل به انگلیسی آمریکایی نوشته بود،

خودش دوباره به انگلیسی بریتانیایی

ترجمه کرد و زندگی‌نامه دروغینی برای

شاتان پوگات نوشت.

«سرهای استغفانی» پس از انتشار

با استقبال خوبی روبه‌رو شد. مترجم

رمان این پرسش را مطرح کرده که

دلیل اینکه گاری با وجود موفقیت اثر از

نام خود استفاده نکرد، چه بود؟ گاری

در این رمان از ژانری متفاوت با دیگر

آثارش استفاده کرد و مترجم نوشته‌

که بعید نیست او به همین دلیل از

نامی دیگر استفاده کرده است. «این

راهی است برای نویسنده‌ای مشهور

که قلمش را در عرصه دیگری هم

بازمیانم. بی‌آنکه خدشه به شهرتش

وارد شود، زیرا او از میزان استقبال

از اثر جدیدش اطلاع ندارد؛ شیوه‌ای

برای فاصله‌گرفتن از شخصیت خود و

تماشای خود با نگاه بدیع یک غریبه.

واکنهی، این کار می‌تواند استقبال طیف

جدیدی از خوانندگان را نیز به همراه

داشته باشد.»

پس از انتشار «سرهای استغفانی»

منتقدان آن را شاهکاری در ژانر تریلر

دانستند و به تمجید از نویسنده‌ای

پرداختند که استادانه شاهکاری

سیاسی نوشته است. مترجم همچنین

به این نکته هم اشاره کرده که رومن

گاری در نوشتن این رمان از تجربیات

دیپلماتیک خود بسیار بهره برده و به

خوبی نشان داده که چگونه منافع

آمریکا و انگلستان ایجاد می‌کند که

کشورهای خاور نزدیک دستخوش

آشوب و ناآرامی همیشگی باشد و

در این راه جاسوسان وابسته به غرب

از هیچ توطئه‌ای دریغ نمی‌کنند. در

آغاز «سرهای استغفانی» می‌خوانیم:

«هزارویک شب در روز روشن آغاز شد،

زیر آفتابی طاقت‌فرسا، وقتی که آنها

در توزع در شرق یمن فرود آمدند، در

این سرزمین عربی که غرب از تاریخ آن

بسیار کم می‌داند، گرچه از وقایعش

خوب آگاه است و این‌طور که پیداست

چراغ علاءالدین تا ابد در آن می‌سوزد.

استغفانی، با پیشانی چسبیده به پنجره

هواپیما و لبخندی ملیح بر لب، یکسره

محو تماشای مناطقی شده بود که در

تمام کتاب‌های کودکانه جهان هنوز

پادشاهان بر آنها فرمان می‌رانند.»



سرهای استغفانی

رومن گاری

ترجمه ابوالفضل اللمدادی

نشر نو

